

## نگاهی پیرامون تبلیغ

### روش تبلیغ در جو غوغا و هیاهو

گاهی انسان پیرامون عقیده و شریعتی با برخی از مردم به مناظره می پردازد یا می خواهد درباره آن سخنی بگوید. اما آنهایی که با او مخالفند مسیر سخن را تغییر می دهند و جو دیگری به وجود می آورند، تا افکار را تحت تاثیر قرار دهند و از این رهگذر، مردم را متوجه اندیشه خود گردانند و آنها را به سوی اهدافی بکشانند که خود در نظر دارند. زیرا دعوت مردم به سوی هرگونه عقیده ای در عنصر می خواهد: یکی ارتباط مردم با جو عقیده و گرایش های آن و دیگری ارتباط مردم با زیربنای فکری و محتوای آن، و دومی از اولی بی نیاز نیست. زیرا اگر اولی نباشد، انسان به آنچه طرح شده توجه نمی کند و از جو آن دور می ماند و در جو دیگری قرار می گیرد.

### دانش برای اسلام، نه برای اغراض نفسانی

آیا دعوت کننده ای که زندگی خود را وقف دعوت به اسلام نموده، تابع میل و رغبت خویش است، اعم از اینکه دعوتش مفید باشد یا مضر یا حداقل بی فایده، یا اینکه در مسیر صعودی و پرتکاپویش، همه چیز را وقف دعوت کرده و حتی از آزادی خودش هم صرف نظر کرده است؟

ممکن است برخی تصور کنند که دعوت کننده یک انسان است و دارای تمایلات و نیازمندیهایی که اگر برآورده شود در آسایش است. بنابراین جایز است که آنچه شرع حرام نکرده، استفاده کند و از امور مباح، بهره گیرد. زیرا نفس در برابر مباحات شرع، آزاد و در برابر محرّمات، ممنوع و محدود است. خواه در خوردنیها و آشامیدنیها و پوشیدنیها و خواه در خواندنیها و آموختنیها. پس از تامین نیازمندیها، فرصت بسیاری دارد که در شؤونات عقیدتی و شرعی کسب دانش کند.

### امور تبلیغ

آیات و روایات، تبلیغ را همچون تکلیفی معلق و دشوار که دور از روح و وجدان مبلغ باشد، مطرح نمی کنند. از نظر آیات و روایات، مفهوم تبلیغ، مفهوم دعوت به خیر و هدایت به حق است که هدف اساسی هر مومنی است ارزش این مطلب، هنگامی بالا می رود که در برابر حدیثی قرار بگیریم که به مومن، صفت زمامداری می دهد و او را مسؤول، می شناسد، تا ایمان او را به زندگی امتداد بخشد و حرکت و

مبارزه را در قلمرو عقیده او قرار دهد در این صورت، انسان همواره نزده است و دائماً با مفاهیم والای روحی و ارزش های عظیم انسانی در ارتباط است و مجالی برای تفکر فردی باقی نمی ماند.

کسی که کار را به عنوان تکلیفی مغلق و برنامه ای رسمی انجام می دهد، نباید منتظر پاداش و رهایی از کیفر باشد. زیرا اینها تابع نتایج عملی برخاسته از مقدمات حقیقی هستند، خداوند تبلیغی که به سبکی مرده و مضمونی جامد عرضه شود، نمی پذیرد زیرا نتیجه ای ندارد خداوند انتظار دارد که تبلیغ سرشار از انرژی و حیات باشد، تا ایمان در قلوب دیگران دوستی و حیات به وجود آورد و حرکت عملی بیافریند و اگر این فایده ها را از نداشته باشد هیچ و پوچ است. شاید ماهیت ذاتی تبلیغ با واجبات دیگر فرق داشته باشد زیرا تبلیغ، فقط شعارهای ظاهری تقلیدی نیست. بلکه هدفش نفوذ در دلهای مردم و ایجاد تغییر و بدلیل و اشباع دلها و جانها از ایمان است چنین چیزی ممکن نیست از حرکت و احساس اجتماعی اصیل دور بماند.

## آیا تبلیغ حرفه است؟

واقع مطلب این ایست که تبلیغ را نباید به عنوان یک حرفه مورد نظر قرار داد. تبلیغ باری مبلغ خود زندگی است و به همین جهت است که امری عمومی است و عرکسی می تواند به اندازه حیات اسلامیش حیات تبلیغی داشته باشد.

اسلام هم باری مسلمان خود زندگی است چنانکه اخلاق هم برای اهلش خود زندگی است مهم این است که زندگی مسلمان خود اسلام باشد.

بعضی از فلاسفه فلسفه را هم خود زندگی می دانند. بنابراین شعر هم برای شاعر خود زندگی است چنانکه نویسندگی برای نویسنده خود زندگی است و نویسنده ای گفته بود: اگر روزی نویسم، مرده ام. علم هم باید برای عالم خود زندگی باشد به همین جهت است که ابوریحان بیرونی دردم مرگ با فقیهی که به عیادتش آمده بود بحث فقهی کرد هنر هم برای هنرمند خود زندگی است و اگر روزی هنرمند به هنر بماند مرده است.

یاران راستین اسلام برای اسلام می زیستند و برای اسلام میمردند مبلغین واقعی اسلام نیز چنین بودند و هستند. شاید کلمه «برای اسلام» هم حق آنها را ادا نکند. عیسه درباره اخلاق پیامبر اکرم گفت: «کان خلقه القرآن» خلق و خویش خود قرآن بود.

اگر مبلغین ما در تبلیغات خود به گونه ای عمل کنند که اسلام را عین زندگی مردم قرار دهند نتایج درخشانی به بار می آید در این صورت معلم در کلاس، فقط خود را معلم نمی داند و نویسنده فقط به فکر نگارش اندیشه خود نیست، دانشجو فقط کارش درس خواندن نیست، تاجر یا محصلی که به خارج می رود اسلام را با خود به دیار غربت می برد و خلاصه هرکسی ولو یک کارگر یا یک استادکار می شود معرف چهره اسلام راستین و این در میان مردم مسلمان و غیر مسلمان تاثیر به سزائی خواهد داشت.

علت اصلی نفوذ انبیاء همین بوده است آنها با رسالت و نبوت خود می زیسته اند یاران صدیق آنها نیز چنین بوده اند امروز هم کسانی که زندگی خود را جدای از رسالت تبلیغی خود نمی دانند، چنینند.

مردم نیازمند مبلغ ناصح هستند و اگر این نیاز برآورده شود عذری برای کسی باقی نمی ماند حضرت نوح به مردم می گوید:

اَبْلَغْكُمْ رَسَالَاتِ رَبِّي وَ اَنْصَحْ لَكُمْ (الاعراف/۶۲)

رسالت‌های پروردگرم را به شما تبلیغ و شما را نصیحت می کنم.

حضرت هود که مقامش بر خلاف نوح مقام نبوت و رسالت تبلیغی است نیز به قومش چنین می گوید:

اَبْلَغْكُمْ رَسَالَاتِ رَبِّي وَ اَنْصَحْ اَمِيْنَ (الاعراف/۶۸)

رسالت‌های پروردگرم را به شما تبلیغ می کنم و برای شما ناصحی امین هستم.

## وظیفه یک مبلغ در انذار و تبشیر

یک مبلغ دینی هم به تبع پیامبران الهی و امامان معصوم(ع) اولاً باید خود در خوف و رجاء به سر برد و ثانیاً در سخنان خود مخاطبان را بین این دو حالت نگه دارد تا به تعبیر مرحوم ملانظر علی طالقانی(ره) فساد و نقض غرض پدید نیاید. در برخوردهای فردی نیز اگر ملاحظه کرد کسی دچار غرور و پرده دری و تجری شده با حفظ اعتدال او را انذار و اگر به یأس و ناامیدی گرفتار گشته، وی را بشارت به رحمت و مغفرت الهی داده، امیدوار سازد.

یکی می گفت: ما از روی ناچاری چهار رکعت نماز خواندیم و همین جور که داشت صحبت می کرد دیدم دارد گریه می کند و می گوید: من بیچاره ام! بدبختم! گفتم: خدا کریم است، رئوف است. یک مقداری زیاده روی کردم. یک وقت دیدم قرص نشست و گفت: پس این همه که گفته اند «لیس للانسان الا ما سعی» و عبادت چنین و چنان است چه می شود؟ دیدم باختم و تند رفته ام. به او جواب دادم که من کی گفتم بیا همین طوری سرزده به خانه خدا برو. برو هر جانی که داری بکن، اگر بیچاره شدی پیش من بیا با هم برویم. من گریه ات را دیدم فکر کردم بیچاره شده ای چه می دانستم کلک است. (طوبای محبت «مجالس حاج اسماعیل دولابی(قدس)» / ج ۲ / ص ۶۳)

این همه گفتیم ...

این همه گفتیم که از شیوه های تبلیغ و پیام رسانی به مخاطبان و ... اما باید متواضعانه اعتراف کرد که قلوب انسانها به دست(مقلب القلوب) است و صاحب این مذهب، مولای منتظر ما حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه. به حکم «العبد یدبّر» باید تدبیر نمود و چاره اندیشید و از هر آنچه که بتوان و از جانب شرع مقدس مقبول است در ابلاغ رسالات الهی بهره برد. اما ... اما، «العبد یدبّر و الله یقدر» بنده تدبیر می کند و خداوند تقدیر! ما مامور به تکلیفیم و باید وظیفه الهی خویش را در امر تبلیغ و پیام رسانی انجام دهیم، اما نتیجه چه می شود و بذر معارف بر دل که نشیند و بارور شود ... با خداست که فرمود:

«انک لا تهدی من احببت و لکن الله یهدی من یشاء و هو أعلم بالمهتدین»

تو نمی توانی هر کس را که دوست داری هدایت کنی ولی خدا هر کس را بخواهد هدایت می کند و او را به هدایت یافتگان آگاهتر است.

پس:

این همه گفتیم لیک اندر بسیج	بی عنایات خدا هیچیم هیچ
بی عنایات حق و خاصان حق	گر ملک باشد سیاهستش ورق
ای خدا ای خالق بی چون چند	از تو پیدا گشته این کاخ بلند
ای خدا ای خالق بی چند و چون	آگهی از حال بیرون و درون
قطره ای دانش که بخشیدی زبیش	متصل گردان به آن دریای خویش
قطره ای علم است اندر جان من	وارهانش از هوی وز خاک تن

والحمد لله رب العالمین

منابع:

(۱) کتابهای گامهایی در راه تبلیغ (علامه محمد حسین فضل الله - ترجمه دکتر احمد بهشتی)

(۲) مبلغان آنچه را باید بدانند (دکتر داود عرفانی فر)